

## دوهفته‌نامه پیکار، از انتشار تا چالش با پهلوی اول

♦ کریم جعفری\*

### مقدمه

تاریخ تحولات اجتماعی - سیاسی و فرهنگی ایران پیش و پس از دوره مشروطه آوردگاه‌های خاص و بی‌نظیری دارد که گاه تکرار آن به دور از ذهن می‌ماند و گاه نیز در تکرار خود مانند داستان بلندی است که بیش از یک و نیم قرن ادامه داشته و دارد. آن که هنوز ادامه دارد؛ آوردگاه رسانه و عموماً مطبوعات است که در طول این دوره داستانی تقریباً یک شکل داشته و دارد. از همان روزگاری که روزنامه‌ها به‌عنوان وسیله اطلاع‌رسانی مکتوب و همگانی قد علم کردند حاکمیت نیز نسبت به آن حساسیت نشان داد و به هر شکل یا می‌خواست مانع از حرکت و پویایی آن شود و یا اینکه در بدترین حالت آن را در کنترل خود داشته و منویات خود را به آنها بقبولاند.

دولت‌هایی که برآمده از رژیم‌های قاجار و پهلوی بودند - به‌جز چند برهه خاص - در هر دو گام برداشتند و به‌همین دلیل هم در تمام طول دوران تاریخ جراید این‌بگیر و بیندها، تعطیلی‌ها، سانسور و تهدید و تطمیع وجود داشته و در این مورد هم اسناد و مدارک فراوانی موجود می‌باشد. این رویکرد دولتمردان ایرانی از همان دوره ناصری باعث شد تا بسیاری از قلم به‌دستان ایرانی که اندک بضاعتی داشتند راه غربت در پیش گیرند و برای چاپ عقاید و نظریات خود که دارالخلافت تهران تاب تحمل شنیدن آن را نداشت، در کشورهای گوناگون اقدام به چاپ نشریاتی چند کنند که

\* کارشناس ارشد تاریخ، روزنامه‌نگار

شهرت آنها در اکتاف ایران پیچید و برخی از آنها هم در تحولات سیاسی ایران اثرگذار بودند. دلیل این امر را می‌توان آزادی در بیان مطالب به دلیل عدم حضور ماموران اداره انطباعات، دسترسی خوب به منابع خبری و همکاری با فرهیختگان ایرانی و شاید هم تأسی از روزنامه‌ها و مجلات آن کشورها دانست. دلیل این امر را هرچه در نظر بگیریم، مطبوعات فارسی‌زبان خارج از کشور خرمن‌پربری از ادبیات ایران‌زمین و مشت‌زنی از خروار دانسته‌ها و بایسته‌های ایرانیان بوده و هست و از این روست که معرفی این نشریات و پرداختن به مبانی و چارچوب‌های آن برای نسل امروز از وظایف عمده محققان کشور است، امری که خوشبختانه دست‌اندرکاران فصلنامه یاد به خوبی اهمیت آن را درک کرده و طی دو سال گذشته با پرداختن به نشریات فارسی‌زبان خارج از کشور ادای دینی بزرگ در این راه نموده‌اند.

از آنجا که این شماره قصد دارد تا نشریات فارسی‌زبان چاپ اروپا را عرضه و معرفی کند، بنابراین همکاری دائمی با این نشریه تخصصی تاریخ، روزنامه پیکار که در ماه آخر سال ۱۳۰۹ تا ماه‌های اول سال ۱۳۱۰ برلین پایتخت آلمان چاپ می‌شد را برای بررسی انتخاب کردیم.

عنوان روزنامه پیکار بارها در تاریخ مطبوعات ایران استفاده شده و بیشتر این استفاده هم از طرف کمونیست‌ها و توده‌ای‌ها بوده است و آنچه در این مجال مورد بررسی قرار می‌گیرد نه تنها خود نشریه، بلکه حوادث و تحولاتی هم که این نشریه به وجود آورد و باعث تیرگی روابط ایران و دولت آلمان شد را هم بررسی می‌کنیم.

برای درک بهتر و آسان‌تر شرایطی که پیکار در آن منتشر شد و نگرش پهلوی اول به جراید و نشریات به‌ناچار باید به صورت خلاصه به این نگرش اشاره کرد تا در ادامه پرداختن به موضوع آسان‌تر گردد. کودتای ۱۲۹۹ رضاخان و سیدضیاءالدین طباطبایی که به کودتای سیاه شهرت یافت، از همان ابتدا نویدبخش روزهای تلخی برای نویسندگان و به‌خصوص جامعه روزنامه‌نگار ایران بود. فردای کودتا در میان صدها تنی که دستگیر شده بود و به زندان فرستاده شده بودند می‌شد شماری از نویسندگان و روزنامه‌نگاران سرشناس را هم مشاهده کرد که به همراه قلم‌شان بیش از سه ماه در سیاه‌چال سیدضیاء و رضاخان ماندند و بعد از آن آزاد شدند.

رضاخان در طول دورانی که به‌عنوان وزیر جنگ و پس از آن نخست‌وزیر آرام‌آرام پایه‌های قدرت خود را بی‌ریزی می‌کرد، به‌خوبی از قدرت و نفوذ جراید آگاه بود و به همین علت تلاش کرد تا به برخی از آنها نزدیک شده و از طریق آنها خود را بیشتر به مردم معرفی کند. اقدامات او در ایران که پس از اشغال در جنگ روی آرامش ندیده بود، با برقراری امنیت نسبی به چشم آمد و در این راه برخی از روزنامه‌نگاران به‌تمجید از او پرداختند و به همراه او پایه‌های سلطنت قاجار را ویران ساختند.

رضاخان به همان اندازه که اهمیت مطبوعات را می‌دانست، از آن می‌ترسید، اقدام او پس از به

سلطنت رسیدن در از میان بردن افرادی مانند میرزاده عشقی، فرخی یزدی، لاهوتی به همراه به تعطیلی کشاندن بسیاری از این نشریات با استفاده از انواع وسایل نمونه‌ای از ترس او بود. اسناد بسیاری امروز در دست است که نشان می‌دهد، دربار پهلوی چگونه و با چه وسایلی سعی می‌کرد نشریات کشور را محتاج خود کند و در مرحله بعد آنها را به مرز ورشکستگی برساند و اگر از خواست‌های دربار تمکین می‌کردند که به حیات خود ادامه دادند، اما اگر اینگونه نبود باید دفتر و دستک خود را جمع می‌کردند. نمونه آن را می‌توان جریده «نسیم شمال» به عنوان مثال آورد که پس از تعطیلی دیگر هیچ‌گاه منتشر نشد. نامه‌هایی که از مدیران این جرید در دست است همگی حاکی از درد همیشگی مطبوعات ایران - نداشتن منابع مالی - است. آنها از اینکه دربار اجازه نمی‌دهد از گان‌های دولتی به آنها آگهی بدهند به شدت ناراضی هستند و از این امر گله می‌کنند. دیگر آنکه مدیران بسیاری از جرید در نقاط مختلف کشور با نامه به وزیر دربار از او می‌خواهند تا دستور رفع توقیف جرید آنها را صادر کند، جالب آنکه بسیاری از این نشریات نه در مرکز، بلکه در شهرستان‌ها منتشر می‌شوند و آن هم از تیغ دولت در امان نیست.

شاید یکی از جالب‌ترین اقدامات دربار برای پیشبرد امور خود درخواست مدیران جرید توقیف شده برای انتشار روزنامه‌هایی در دفاع از سلطنت باشد. چنانکه شیخ حسن قوام از اهالی مشهد از یحیی قراگوزلو می‌خواهد تا به او اجازه انتشار جریده «نامه پهلوی» را دهد که با این امر مخالفت می‌شود.

رضاشاه و دستگاه اطلاعاتی او می‌توانستند نشریات داخلی را کنترل کنند. اما در مورد نشریات خارجی این امر به هیچ‌عنوان برایش امکان نداشت. یکی از ماموریت‌های سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایران در این دوره که شخص رضاشاه به شدت آن را پیگیری می‌گیرد، انعکاس تحولات ایران در نشریات آن کشورها به خصوص در مورد سلطنت بود.

هم‌اکنون گزارش‌های فراوانی در این مورد در آرشیوهای اسناد کشور وجود دارد. علاوه بر این دیگر وظیفه مهم سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایران در خارج رصد مطبوعات فارسی چاپ خارج بود که موضوع اصلی این مقاله هم همین موضوع است.

اما برای آنکه حساسیت رضاشاه را در مورد مطبوعات خارجی بدانیم بهتر است بر یک مورد که منجر به قطع روابط ایران و فرانسه گردید استفاده کنیم.

در دی‌ماه ۱۳۱۶ چند روزنامه فکاهی فرانسوی عکس‌ها و مقالاتی به مناسبت نمایشگاهی که در پاریس برگزار شده بود، انتشار دادند که به نظر رضاشاه توهین می‌آمد، لذا دستور احضار ابوالقاسم فروهر، وزیر مختار در پاریس و قطع مناسبات با فرانسه را صادر کرد. روابط ایران و فرانسه در حالی در آستانه جنگ جهانی دوم قطع شد که یک سال و نیم تداوم داشت.<sup>(۱)</sup> محمد قزوینی در

نامه‌ای به سیدحسن تقی‌زاده در همان روزها نوشته بود اقدام نشریات فرانسوی را «در همان قبیل امور جزئی می‌داند که عبارت است از شوخی قلمی سه جریده از جراید فرانسه؛ یکی «اکسلسیور» و دیگری «پتی‌پاریزین» و ثالث روزنامه‌ای است فکاهی موسوم به «استخوان مغزدار» که هر سه در موضوع کلمه «شاه» و «شا» به معنی گربه در زبان فرانسه موجود است، کرده‌اند و از این کار اصلاً قصد اذیت نداشته‌اند. . . .<sup>(۲)</sup>

این توصیفی معمول بود از برخورد و عملکرد رضاشاه در مورد مطبوعات، حال اگر مدنظر بگیریم که این مطبوعات وارد جریانات سیاسی هم شوند، او چه خواهد کرد. شاید ماجرای ۵۳ نفر - همان افرادی که پیکار را منتشر می‌کردند. بهترین نمونه برای این امر باشد. آنها که مجلس دنیا را به صورت کاملاً حاشیه‌ای در باب مارکسیسم منتشر می‌کردند به زندان‌های طولی‌المدت محکوم شدند و هیچ‌کدام هم نتوانستند از زیر دادگاه و زندان پهلوی اول بیرون بیایند. حال با این مقدمه به بررسی نشریه پیکار می‌پردازیم که خود روابط ایران و آلمان را تا آستانه قطع شدن پیش برد.

## زمینه‌های پیدایش پیکار

آلمان پس از جنگ جهانی نخست، به دلیل تبعیض‌هایی که کشورهای متفق علیه آن در معاهده ورسای رو داشتند - علی‌رغم آنکه شکست نظامی نخورده بود - آبستن حوادث بسیاری بود. جمهوری وایمار نیز که در این زمان تشکیل شده بود قدرت چندانی برای بازگرداندن نظم و آرامش در کشور نداشت و از همین رو گروه‌های مختلفی در این کشور با مسلک و مرام‌های گوناگون سربر آوردند. شاید به قدرت رسیدن نازی‌ها در این کشور پیامد همین ناآرامی‌ها بود.

در این میان بود که نظام کمونیستی حاکم بر شوروی در راستای صدور کمونیسم به دیگر کشورها تلاش بی‌وقفه‌ای را شروع کرد. کمیترون تشکیلاتی در مسکو بود که وظیفه این مهم را بر عهده داشت و نسبت به حمایت از گروه‌ها و تشکیلات دارای افکار کمونیستی اقدام می‌کرد. کار فرهنگی که سران حزب کمونیست شوروی بر آن تاکید داشتند در قالب‌های گوناگون عرضه می‌شد و آنها سعی می‌کردند با چاپ کتاب، جزوه و روزنامه‌ها به بحث‌تئوریک و از جانب دیگر مسائل روز بپردازند. آلمان یکی از کشورهای اروپای مرکزی بود که به دلیل زیرساخت‌های صنعتی از نظر مقامات مسکو قابلیت آن را داشت که جذب این اندیشه شده و از این رهگنر نظام کمونیستی با حاکمیت پرولتاریا در آنجا حاکم شود و از این همین رو سرمایه‌گذاری هنگفتی در این مورد کردند و در شهرهای مختلف آلمان به خصوص مناطق کارگری و محیط‌های دانشجویی کمیته‌های خود را

تشکیل داده و شروع به فعالیت رسمی، نیمه رسمی و زیرزمینی کردند.

اما آلمان بعد از جنگ روابط گسترده‌ای هم با ایران داشت. این روابط به خصوص پس از خلع قاجاریه و بر تخت نشستن رضاشاه و تحت تاثیر توجه به نیروی سوم گسترش خاصی یافت. رضاشاه و تکنوکرات‌های اطراف وی برای ساخت زیربنای نظام بوروکراسی خود احتیاج به نیروهای آموزش دیده و تحصیل کرده داشتند و از این رو در چند دوره دانشجویانی را برای تحصیل به اروپا فرستادند. دانشجویان اعزامی به اروپا بیشتر به فرانسه و آلمان اعزام شدند، آنهایی که در رشته‌های علوم انسانی تحصیل می‌کردند اغلب در فرانسه بودند و رشته‌های فنی هم در آلمان بودند.

حضور دانشجویان ایرانی در آلمان که اولین گروه آنها در سال ۱۳۰۷ اعزام شدند با توجه به محیط اجتماعی و سیاسی آلمان که فضایی درگیر داشت، به سرعت دانشجویان ایرانی در آلمان را به سمت فعالیت‌های سیاسی کشاند.

این دانشجویان در شرایطی که تفکر سوسیالیستی در آن دوره با آب و رنگ خاص روشنفکری تبلیغ می‌شد به سمت آن رفتند و این در حالی بود که هنوز بسیاری از آنها نمی‌دانستند به دنبال چه چیزی می‌باشند.

کار فرهنگی کمونیست‌ها و طرفداران آنها در اروپا تقریباً به شکل زنجیری بود که تمام کشورهای اروپایی را در خود فرو برده بود.

هنگامی که در برلین گروهی سعی کردند روزنامه پیکار را منتشر کنند، پهلوی اول موفق شده بود قدرتش در ایران را تثبیت کند و راه را برای فشار بر احزاب دوچندان نماید. در این مدت بسیاری از آزادی خواهان توسط دستگاه امنیتی رضاشاه «کشته»، زندانی و یا تبعید شده بودند و از این نظر نیز جو روانی مناسبی جهت جذب دانشجویان ایرانی مقیم اروپا توسط کمونیست‌ها به وجود آمد چرا که این دانشجویان از نخبه‌ترین و باهوش‌ترین محصلین ایرانی بودند که برای آموزش به اروپا رفته بودند. در همین راستا از اوایل سال ۱۳۰۹ کمیته مرکزی حزب کمونیست بر آن شد تا با تشکیل مرکزی عقاید کمونیستی را میان این طیف گسترش دهد. به همین منظور بود که مرکزی را با نام «جمعیت جمهوری طلبان ایران» در اروپا ایجاد کرد. این مرکز را آویتس سلطانزاده عضو شورای مرکزی حزب کمونیست ایران در اروپا تاسیس کرد و مرتضی علوی عضو فعال حزب در اروپا عضو آن شد.<sup>(۳)</sup>

این جمعیت - که به «کمیته عامله یا اجرائیه جمهوری طلبان ایرانی» نیز مشهور بود. در پراگ، برلین، لمبرگ، زوریخ، ژنو، کلن، بروکسل، پاریس، حیفا و نیز دهلی نماینده داشت. نشریه پیکار زیر نظر این جمعیت در ۲۶ بهمن ماه ۱۳۰۹ / ۱۵ فوریه ۱۹۳۱ به فارسی در برلین منتشر

شد. (۴) اما خبر انتشار این دو هفته‌نامه خیلی دیر به ایران رسید. ۱۸ اسفند ۱۳۰۹ سفارت ایران در برلین [برلین] تلگرافی به وزارت دربار می‌زند و می‌گوید: «... اوراقی به زبان فارسی و در تحت عنوان «پیکار» در آنجا طبع گردیده...» (۵)

انتشار پیکار باعث شد تا بلافاصله سفارتخانه ایران در برلین تصمیم به مقابله با آن بگیرد، چه آنکه مشخص بود این نشریه در صورت ادامه حیات در دسرهای جدی ایجاد خواهد کرد. بنابراین احمد متین‌دفتری راینی‌هایش را با مقامات وزارت امور خارجه آلمان در این باره شروع کرد تا «... اقدامات لازمه را تعقیب و اهتمام نمایند که ریشه فساد به کلی قطع و از طبع این روزنامه جلوگیری شود...» (۶) در مورد روزنامه پیکار جالب آن است که مدیر مسوولش یک آلمانی به نام کارل ونر بوده است. (۷)

آنچه مشخص است در انتشار این نشریه عده‌ای دست‌اندرکار بوده‌اند که در این میان دانشجویان ایرانی مقیم برلین نقش به‌سزایی داشته‌اند. پیکار در برلین چاپ می‌شد و فقط در برلین و پاریس دفتر تک‌فروشی رسمی داشت، اما به دیگر کشورهای اروپایی و کشورهای مثل مصر، روسیه و ایران نیز فرستاده می‌شد. البته به‌نظر می‌رسد این روزنامه در عراق نیز خوانندگانی داشته است. چرا که به گزارش سفارت ایران در بغداد، روزنامه الاستقلال چاپ این شهر مقاله‌ای تحت عنوان انگلیس و ایران در جنگ آینده منتشر کرد که ترجمه‌ای بود از مقاله چاپ شده در جریده پیکار. (۸) در مورد ورود پیکار به ایران هم اقدامات شدیدی صورت می‌گرفت تا این نشریه وارد ایران نشود. اداره پست و اداره گمرکات دستور اکید داشت تا جلوی ورود این جریده گرفته شود. چندبار نیز محموله‌هایی از این دست توسط ماموران کشف و ضبط شد که یک بار آن هنگامی بود که هفت نسخه از شماره ۴ پیکار برای مدیران جراید تهران ارسال شده بود. (۹)

## شیوه کار پیکار

پیکار دو هفته‌نامه‌ای بود که در دو برگ و چهار صفحه منتشر می‌شد. شناسنامه آن که معمولاً در صفحه اول و در سمت چپ بالای می‌آمد قیمت اشتراک سالانه آن را در ایران هفت تومان و در خارجه ۸ شیلینگ درج کرده بود. در سمت راست بالای صفحه یک نیز معمولاً شعارهای گوناگونی درج می‌شد. شعار شماره ۶ آن که به مناسبت روز کارگر نوشته شده بود اینگونه است: «سلام انقلابی و رفاقتی خودمان را بر رفقای متهور و جسوری که در روز اول ماه می در خیابان‌های طهران و اصفهان و آبادان در مقابل پلیس و قزاق رضاخان ابراز شهامت و شجاعت نموده‌اند می‌فرستیم!

زنده‌باد جسارت توده ملت، زنده‌باد انقلاب ایران!»

در نخستین شماره پیکار و در مطلبی با عنوان «مقصد ما» هدف دست‌اندرکاران و نویسندگان

نشریه «آگاهانیدن جراید و محافل مترقی و آزادیخواه اروپا از جنایات حکومت و از فریاد جگر خراش محبوسین و افشارگری» ذکر شده است. در ادامه با بیان سیر تاریخی پنجاه سال «مبارزات ملت زحمتکش ایران» از انقلاب مشروطیت به بعد، بر این موضوع تاکید شده که در این مدت مبارزه قطعی «که فرجام و نتیجه مطلوب برای ملت ایران فراهم آورد، صورت نگرفته و» اهمیت تاریخی حکومت رضاخان در این است که «مبارزه قطعی» در زمان حکومت او انجام خواهد گرفت. در همین شماره - شماره نخست - برگه ای ضمیمه شده که در آن گزارش مبسوط کنفرانس «محصّلین ایرانی و توده دهاقین و کارگران و عموم هموطنان آزادیخواه ایران»، لحنی بسیار انقلابی و انتقادی و تحلیلی مارکسیستی - لنیستی داشت و اوضاع عمومی ایران تحت سلطه در حکومت رضاخان را شرح می داد و این حکومت را «مدافع طبقات ملاکین و سرمایه داران» و «دست نشانده امپریالیسم انگلیس» معرفی می کرد. در پایان محصلان و کارگران و دهقانان را به ادای سوگند برای «مبارزه ای سخت» با حکومت رضاخان فرامی خواند.

نشریه چهار صفحه ای پیکار مقالات و اخبار خود را بدون هیچ مقدمه ای شروع می کند هر صفحه سه ستون دارد و اخبار را به صورت پشت سر هم ذکر می کند. مقالات، اخبار و گزارش های پیکار بیشتر درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در فاصله ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۰ خورشیدی است و درونمایه ایدئولوژیک آن مارکسیستی - لنیستی است. نویسندگان نشریه به هیچ عنوان به شاهی «رضاخان» ایمان ندارند و در تمام شماره های منتشر شده خود از وی به عنوان «رضاخان» یاد می کنند. مانند هر نشریه دیگر دست گذاشتن بر روی نقاط ضعف به همراه چاپ گزارش های افشاگرانه از مهم ترین تاکتیک های پیکار است. در هر شماره آن می توان گوشه های مختلفی از این امر را یافت. به فساد، فشار، اختناق و... در هر شماره پرداخته شده است. گردانندگان نشریه به شدت مخالف انگلستان هستند و «رضاخان» را عامل و گماشته او می دانند؛ در هر شماره از پیکار می توان مواردی در این مورد یافت.

نشریه فاقد بخش مشخصی به نام سرمقاله است و صفحه نخست بیشتر شماره های آن دیدگاه های گردانندگان آن را در مورد رخدادها و مسائل مهم مملکتی و افشارگری های معمول که در بالا به آن اشاره شد بازتاب می دهد. به نظر نویسندگان نشریه، سیاست همکاری «رضاخان» و انگلیسی ها در راستای مخالفت با «بلشوسیم» بوده است و از این رو با همکاری انگلیسی ها باید «قانون نظام اجباری را به موقع به اجرا بگذارد و تشکیل یک قشون منظم تا صد هزار نفر بدهد برای مبارزه بر علیه انقلاب و بلشویک».<sup>(۱۰)</sup>

در بیشتر شماره های پیکار ستون ویژه «اخبار ایران» در صفحه دوم نشریه شامل اخباری از اوضاع نابسامان معیشتی «توده مردم» و «شورش دهقانان» و «اعتصاب کارگران»، به ویژه کارگران نفت

جنوب است.

برای مثال در شماره ششم در گزارشی به وضعیت زندگی کارگران نفت جنوب پرداخته است و این مطلب را هم به نقل از روزنامه تایمز لندن آورده است. از جمله مواردی که در این گزارش به آن پرداخته شده است وضعیت غذای کارگران و دیگر شرایط کار در کارخانه است. یکی از ستون‌های ثابت پیکار عنوان «مکتوب از...» را دارد که معمولاً به چاپ نامه‌های رسیده از شهرهای مختلف ایران می‌پردازد و در آن اغلب از بدی معیشت «کارگران» یا «دهقانان زحتمکش» خبر می‌دهد.

در پایان هر یک از ستون‌ها نقیبی هم به رژیم حاکم زده می‌شود، «ارتجاع روزبه‌روز پرزور می‌شود و از ترس تامینات و پلیس ما قدرت حرف زدن نداریم و اگر بگوییم اجرت‌ها کم است ما را حبس کرده اطفال ما را گرسنه می‌گذارند و ما مجبور هستیم که اتحادیه کارگری را مخفی کرده تمام ستم پهلوی را متحمل شویم، ولی دوری خواهد رسید که دنیا به کام ما شده این رژیم را سرنگون کرده خود را از این گرداب رها خواهیم کرد.»

آنچه در مورد این ستون باید گفت سطح بالای ادبیات آن است، ادبیاتی که هر چند سعی شده عوامانه نوشته شود تا مثلاً از زبان یک کارگر تبریزی بیرون بیاید، اما پر واضح است که یک کارگر تبریزی به هیچ عنوان نمی‌تواند در چنین سطحی بنویسد، بنابراین باید گفت «مکتوبات» پیکار بیشتر کار خودگردانندگان بوده است.

از دیگر بخش‌های نشریه، ستون افشای جاسوسان حکومت پهلوی در داخل و خارج ایران است. در این بخش کوشش شده است که ماهیت پلیسی و خفقان حکومت پهلوی برای مخاطبان روشن شود.<sup>(۱۱)</sup> بخش دیگر گزارش‌هایی است از وضع ناگوار «محبس‌ها و محبوسین» در شهرهای مختلف ایران که در برخی از شماره‌ها آمده است. نشریه دارای آگهی نیز می‌باشد که در برخی شماره‌ها کتاب‌های مارکسیستی را تبلیغ می‌کند که در «اداره مطبوعه» موجود می‌باشد. نکته جالب چاپ تصویر- کاریکاتور- در پیکار است. این تصاویر که معمولاً در صفحه اول پیکار درج می‌شد دیالوگی بود میان دو نفر که می‌خواست فقر و تنگدستی بر جامعه ایران را به تصویر بکشد. در این گفت‌وگوها معمولاً یک کارگر در پاسخ به سوالات فرد ثروتمندی از بدبختی‌های خود می‌گفت که غالباً هم به عملکرد دولت بر می‌گشت.

دیگر وجه پیکار که برگشته از اصول کامل و تمام مارکسیستی است، دین‌ستیزی آن است. در این مقوله اگر مارکسیسم در اروپا و غرب با کلیسا درمی‌افتد، در اندیشه مارکیست‌های ایرانی هم مذهب تشیع مورد حمله قرار گرفته و تمام بدبختی‌های مردم ناشی از مذهب و انمود شده است. در همین راستا است که پیکار به عنوان بخشی از برنامه‌های ایدئولوژیک خود دین را افیون توده‌ها معرفی کرده و تشیع را هم باعث عقب‌ماندگی مردم ایران. در مقاله «ارتجاع و روحانیون» عملاً



نویسنده به روحانیت شیعه حمله کرده و تمام گرفتاری‌های ملت راناشی از قدرت آنها می‌داند. (۱۲) و این در حالی است که رژیم رضا شاه و روحانیت شیعه، ضد و در برابر هم بودند.

نشریه پیکار در ۱۵ شماره‌ای که منتشر کرد- با وجود محدودیت صفحات- تلاش داشت تا به بسیاری از مقاصد و اهداف خود رسیده و نکاتی چند را بیان کند. هدف نهایی پیکار ارائه مانیفست کمونیست‌های ایران بود که چه می‌خواهند و اگر به قدرت برسند چه خواهند کرد. در سلسله مقالاتی که به امضای «ا. ذره» و با عنوان «ما چه می‌خواهیم» است که تحلیل مارکسیستی-لنینیستی تاریخ ۲۵ ساله ایران (از نهضت مشروطه تا سلطنت رضاشاه) می‌باشد، در شش قسمت به بررسی این مواضع پرداخته است. در واپسین شماره پیکار و در ۱۳ بند مقاصد نشریه (کمونیست‌های ایرانی) را بر شمرده که مهم‌ترین آنها عبارت است از: تقسیم اراضی ملاکان و درباریان، پایان نظام استثمار کارگران، آزادی قلم، تشکیل اتحادیه‌های کارگری، برقراری روابط دوستانه با اتحاد شوروی به عنوان یگانه دوست صمیمی ملل مظلومه مشرق و برقراری «جمهوری دموکراسی متحد ملل مختلفه ایران» و دیکتاتوری کارگران و دهاقین. (۱۳)

بیشتر مقالات پیکار امضا دارد؛ ظاهراً برخی از این امضاها منسوب به اعضای بارز شوروی مرکزی حزب کمونیست ایران یعنی آویتس سلطان‌زاده، ابوالقاسم ذره و محمدامین رسول‌زاده است. ظاهراً نویسنده مقالات تند بر ضد رضاشاه و سلطنت پهلوی که باعث پیگیری روند تعطیلی این نشریه در مدت تنها سه ماه شده، مرتضی علوی بود.

پیکار توانست در مدت انتشار خود و یا حتی بعدتر با استفاده از مطالب چاپ شده به جذب دانشجویان ایرانی در اروپا بپردازد. ایرج اسکندری در خاطرات خود به این نکته اشاره دارد که او از طریق برخی دوستانش با پیکار آشنا شد و این آشنایی باعث جذب او به حزب کمونیست ایران گردید. البته در خاطرات بسیاری افرادی که بعدها در جریان دستگیری سال ۱۳۱۶ موسوم به ۵۳ نفر- لب به اعتراف گشودند می‌توان ردپای پیکار و تاثیرات آن را دید. تقی ارانی که رهبر ۵۳ نفر شناخته شد با پیکار همکاری نزدیکی داشت و برخی از مطالب این نشریه به قلم اوست و هم اندیشه او بود که باعث جذب دانشجویان ایرانی به حزب کمونیست گردید.

اما دیگر بحثی که پیکار به آن می‌پرداخت مباحث اقتصادی است. این مقالات نیز که تقریباً جایی ثابت در پیکار دارد، به گوشه‌هایی از اقتصاد ایران و برنامه‌ریزی اقتصادی پهلوی اول می‌پردازد. به باور نویسندگان پیکار، سیاست‌های اقتصادی رژیم پهلوی در راستای منافع استعمار و امپریالیسم و تبعیت منافع طبقات سرمایه‌دار داخلی و ملاکان است و در مقایسه با جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی بسیار ضعیف‌تر است. «بودجه سال ۱۳۱۰ یا شاهکار ارتجاعی وزارت پناهی آقای تقی‌زاده» یکی از همین موارد است که در آن به صورت تفصیلی به مقایسه ایران و برخی از جمهوری‌های شوروی پرداخته شده است.

عملکرد تقریباً سه ماهه پیکار و گردانندگان آن به همراه آنچه آنها در طول این مدت منتشر کردند هیچ شکی برای رضاشاه باقی نگذاشت که اگر جلوی فعالیت کمونیست‌ها را نگیرد، به‌زودی طومار او را در هم خواهند پیچید، بنابراین از همان زمان تلاش گسترده‌ای به خرج داد تا مانع از فعالیت کمونیست‌ها شود و به همین جهت نیز قانون معروف ۱۳۱۰ موسوم به قانون «ضد اشتراکی» از تصویب مجلس شورای ملی گذشت. و براساس این قانون فعالیت گروه‌ها و احزاب با مرام اشتراکی - کمونیستی - در ایران ممنوع می‌شد و پیوستگان به آن تحت تعقیب شدید قرار می‌گرفتند.

## تلاش برای تعطیلی پیکار

سیاست تهاجمی پیکار و مشی انقلابی که گردانندگان آن به‌خصوص در دو شماره اول به کار برد، حساسیت سفارت ایران در برلین و دربار ایران را برانگیخت و از همان ابتدا در صدد جلوگیری از انتشار آن برآمدند. شخص رضاشاه نیز چنان از این ماجرا عصبانی شده بود که به گفته بلوشر «شاه از کوره در رفت و تهدید به قطع روابط ایران و آلمان کرد». بلوشر که به تازگی با عنوان سفیر آلمان راهی تهران شده بوده هنگامی به حضور شاه رسید که او به شدت از انتشار پیکار عصبانی بود و این دیدار به صورت چندان خوشایندی برگزار نشد. رضاشاه در دیدار با بلوشر با بیان این مطلب که «همواره در شمار دوستان آلمانی‌ها بود و به کرات این امر را ثابت کرده است. ملت ایران در کلیه طبقات و قشرهای خود در این مورد با او هم عقیده است، امیدوار است که همکاری بین ایرانیان و آلمانی‌ها نتایج خوبی به بار آورد ولی می‌بایست این روابط را از اختلاف احتمالی دور داشت».<sup>(۱۵)</sup> تلو یحا به رنجش خود از مقالات انتقادی و تند چاپ شده در پیکار اشاره کرد. بلوشر در مورد این ملاقات می‌افزاید، «تردید نداشتم که شاه شخصیتی برجسته دارد اما در عین حال چنان آدم تودار و پیچیده‌ای است که با اتکا به یک گفت‌وگوی نیم ساعته نمی‌توان به‌کنه وجودش پی برد... به هر حال احساسی از همدلی و همفکری در من به وجود نیامده بود ولی از نفرت نیز اثری در خود نمی‌دیدم به نحوی که با حیثیت و حقیقت‌جویی به این وظیفه پردازم».<sup>(۱۶)</sup>

اما در آلمان سفارت ایران تلاش همه‌جانبه‌ای را به خرج داد تا بلکه بتواند شماره یک و دو پیکار را جمع کند. اداره سرپرستی محصلین ایران در پاریس در تلگرافی به وزارت امور خارجه اقدامات خود در این مورد را اینگونه شرح می‌دهد: «... مجلسی در وزارت خارجه مرکب از مستشاران حقوقی و متصدی امور ایران و کنت شولنبرگ وزیر مختار تهران تشکیل شده، آقای فرزین و این بنده در مجلس مزبور شرکت نمودیم و بعد از مطالعات راه‌حل مطلوبی پیدا کردیم که تعقیب جزایی به جریان افتد و محسوس بود که اولیای وزارت امور خارجه میل دارند در این کار با منظور دولت

علیه مساعدت کنند ولی خودشان دچار مخطورات سیاست داخلی هستند . . . قدم اول آن توقیف شماره اول و دوم روزنامه است که گمان می‌کنم همین امروز یا فردا صورت بگیرد . مخصوصاً بنده تذکر دادم که محاکمه جزایی این امر ممکن است معایبی داشته باشد که باید از حالا پیش‌بینی نمود ، یعنی احتمال دارد متهمین میدانی به دست آورده نطق‌های آتشین در محکمه مبنی بر حمله به مقامات عالیه ایران بکنند و در جرید اروپا منعکس و سبب افتتاح شود . «<sup>(۱۷)</sup>»

همانگونه که از متن این گزارش برمی‌آید سفارت ایران تلاش زیادی خرج می‌دهد تا شماره‌های پیکار جمع‌آوری و گردانندگان آن تحت تعقیب قرار گیرند ولی از این هم واهمه دارد که مبادا محاکمه علنی آنها باعث افشاگری آنها علیه دولت و رژیم پهلوی اول شود . در ادامه همین روند احمد متین‌دفتری اضافه می‌کند : « . . . امروز که به بازدید دکتر گروبارفته بودم اطلاع داد که علوی - منظور مرتضی علوی - که یکی موسسین مهم این دستگاه است همین دو روز ، به عنوان انقضای مدت تذکره و اجازه توقف در خاک آلمان اخراج خواهد شد .

محمدعلی فرزین هم در ۱۱ فروردین ۱۳۱۰ در تلگرافی که به وزارت خارجه و دربار به صورت مشترک ارسال شده خبر از اقدام عدلیه آلمان جهت «جلب مباشرین و توقیف ورقه را به نظمیہ پرسی»<sup>(۱۸)</sup> می‌دهد .

فرزین در ادامه با شمردن موقعیت کمونیست‌ها در آلمان در توصیف ایرانی‌های عضو حزب کمونیست هم می‌گوید : « . . . در این دستگاه چند نفری از هموطنان عزیز بنده هم که بویی از محبت وطن و مملکت و ملت به شامه‌شان نرسیده است سر سپرده‌اند و هر چندی در ازای ترجمه مقالاتی که از آن دستگاه بیرون می‌آید و یا مباشرت در طبع و نشریات وجه طبع و نشریات وجه معاش می‌گیرند و به این زندگانی بی‌شرف و بی‌آبرو راضی هستند . » و در جایی دیگر از این نامه آمده است : « . . . تصدیع می‌دهم از جوانان ایرانی که در اروپا آلوده به این فساد و اعمال می‌شوند کمتر اتفاق می‌افتد که از روی عقیده و مرامی باشد بلکه بیشتر مقدمه این رذالت از پریشانی و فلاکت و استیصال در امر معاش است که در آن حال دست تو سل به دامان هر عامل فساد و مضری دراز می‌کنند و آلت اجرای هر مقاصدی می‌شوند . »

این نامه سفیر ایران در آلمان و واژه‌هایی که او برای ایرانیان نویسنده پیکار به کار می‌برد نشانگر اوج عصبانیت وی از این نشریه و در دسرهایی است که به موجب آن برای وی و همراهانش در آلمان پیش آمده است .

دولت المان به‌خصوص وزارت دادگستری آن برای پیگرد پیکار و بانیان آن در دسرهای جدی داشت و همواره دنبال راهکاری برای این موضوع می‌گشت . آنچه وزارت دادگستری آلمان براساس آن به تعقیب ، توقیف و محاکمه پیکار و گردانندگان آن پرداخت ، ماده ۱۰۳ قانون جزای آلمان بود .

طبق این ماده «توهین به رؤسای ممالک خارجی متحابه (دولت)» تعقیب جزایی داشت به این شرط که در قانون مملکتی که به رئیس آن توهین شده، «معامله متقابل» در نظر گرفته شده باشد. چون در آن زمان شرط «معامله متقابل» در قانون جزای ایران وجود نداشت، موضوع محاکمه گردانندگان پیکار مطرح شدنی نبود، از این رو سفارت ایران در برلین و وزارت امور خارجه مشکل را به اطلاع وزارت عدلیه و مجلس رساندند و خواستار تصویب «شرط معامله متقابل» شدند. این شرط در فاصله کوتاهی به تصویب رسید و راه برای اقدامات نهایی فراهم گردید.

از جانب دیگر دولت آلمان همان گونه که به صورت سری به محمدعلی فرزین سفیر ایران در برلین قول داده بود بالاخره تحت فشار دیپلماتیک ایران در نخستین اقدام خود پس از جمع آوری شماره یک و دوم پیکار مرتضی علوی را از آلمان اخراج کرد.<sup>(۱۹)</sup>

علی رغم پی گیری های سفارت ایران در برلین و همکاری خارج از معمول آلمان ها برای محدود کردن انتشار پیکار، این نشریه همچنان منتشر می شد به گونه ای که فرزین در این مورد به محمدعلی فروغی وزیر خارجه ایران در ۲۴ فروردین ۱۳۱۰ می نویسد، «... اجمالا عرض کنم مشاهده این احوال و هر روزه انتشار یک ورقه تازه که سراپا اهانت است، این سمت برای بنده خاصه با سمت ماموریت در این مملکت قابل تحمل نیست...»<sup>(۲۰)</sup>

در مجموعه اسناد منتشر شده در مورد پیکار برگ سندی وجود دارد که قابل توجه است. در ابتدای این نوشته از بانیان و گردانندگان پیکار مطالبی آوردیم؛ اما تحقیقات پلیس آلمان منجر به نتایجی می شود که مرام و روابط گردانندگان پیکار را بیشتر مشخص می کند. در این سند که در ادامه گوشه هایی از آن خواهد آمد مشخص می شود که برخی از اسامی مجعول بوده و این گروه دارای روابطی بسیار گسترده تر از آن هستند که دولت ایران تاکنون فکر می کرده است و برخی از آنها هم از افرادی هستند که بیشتر توسط سفارت ایران به عنوان کمونیست معرفی شده اند. در این سند می خوانیم: «... این کمیته (کمیته جمهوری طلبان ایرانی) کمونیستی است و از قرار معلوم با «لیگا» که خود را طالبین حقوق بشر می داند و خود را حامی ملل مظلومه قرار داده است، روابط خیلی نزدیکی دارد. این کمیته می خواهد به وسیله تبلیغات و نشریات نظر اروپا را به اوضاع ایران جلب نماید؛ تا به حال معلوم نشده است که نماینده مشخص طرف اعتماد این کمیته در برلین [برلین] کیست. گمان می رود مجمع محصلین ایرانی موسوم به «ایران» باشد. اعضای مجمع عبارت بوده اند از: محمد پور رضا ساکن شارلوتنبورگ کایز دام نمره ۲۵، دکتر احمد امامی ساکن فاز انزاشتراسه نمره ۲۲ واحد اسلاف [اسلامی؟] که معروف ما است و سابقا سفارت ایران در برلین آنها را به عنوان کمونیست به ما شناسانده است و علی داراب نامی که فرستنده است، ظاهرا اسم مجعولی است و در دفاتر ثبت پلیس چنین اسمی وجود ندارد... با تجسساتی که در منزل

دکتر ونر شده معلوم گردیده است که علی داراب نامی در آنجا نیست. بنابراین احتمال دارد که دکتر ونر فوق‌الذکر شغلش جریده‌نگاری است و در ۲۹ نوامبر ۱۸۹۶ در فرانکفورت متولد شده و در برلین در پاریز اشنزاسه ۵۲، منزل واردیا، علی داراب نامی را مخفی نگاه می‌دارد و یا این اسم را برای کار خود وضع کرده است. ونر مدیرمسئول و ناشر روزنامه پیکار است که به حروف عربی و فارسی منتشر می‌شود. دکتر ونر به کلی کمونیست است و روابط تامی با مشرق‌زمینی‌ها به خصوص هندی‌ها دارد و با مرتضی‌علوی معروف هم که عضو جمعیت موسوم به جمهوری طلبان و انقلابیون ایران سمت و در مجمع لیگای ضدامپریالیسم در ۱۵ فوریه در بروکسل در قصر اکموند نمایندگی داشته است، روابط خیلی نزدیکی دارد. ونر که چندین سال در حیفا بوده مشخص است که باید از او بی‌اندازه احتراز و احتیاط کرد. مجمع نمایندگان جمهوری طلب ایرانی در ۷ فوریه ۱۹۳۱ در کلن منعقد بوده و از قرار معلوم در آن مجمع فقط ۵ نفر بوده‌اند. مذاکرات پروتستی [اعتراضی] بوده است بر ضد رژیم و ترور رضاخان پهلوی در تهران و این پروتست به جراید طرفدار چپ اروپا فرستاده شده است. . . .»<sup>(۲۱)</sup>

سفیر ایران در آلمان که به دنبال یافتن بهانه است تا آن را علت انتشار پیکار قلمداد کند، تنگدستی و وضع بد معیشت جوانان و محصلان ایرانی در آلمان می‌داند. هر چند این امر ممکن است تا اندازه‌ای درست باشد، اما از آنجایی که او خود هم وضع مالی خوبی نداشت و گزارش می‌دهد که چهار، پنج هزار مارکی بدهکار است<sup>(۲۲)</sup>، نباید شک داشت که حساب دیگران را هم مانند خودش داشته است: «... سابقاً عرض کرده‌ایم که عده‌ای از جوانان ایرانی هستند که در اینجا بدون وسیله معاش مانده‌اند و ممکن است همه‌روزه و هر ساعت برای ۵ یا ۱۰ مارک به مصرف سدجوع خودشان برسازند، آلت دست هر عامل مضر و مفسدی بشوند...». سفیر که هیچ راهکاری ندارد و بازگشت جوانان و دانش‌جویان ایرانی را بهترین راه می‌داند و ادامه می‌دهد «سلامت حال خودشان و آبروی خانواده آنها و حفظ حیثیت جامعه ایرانیان در اروپا و صلاح دولت و مملکت است که هر چه زودتر اسباب معاودت آنها به ایران فراهم شود. ضرورت این امر به قدری در هر ساعت در اینجا محسوس می‌شود که اگر هر گونه وجهی از خزانه دولت در دست بنده بود، ولو آنکه متعلق به هر وزارتخانه و هر مقامی باشد بدون تأمل به مصرف این امر می‌گذاشتم.»<sup>(۲۳)</sup>

در سوم ماه مه ۱۹۳۱ برابر با ۱۲ اردیبهشت ۱۳۱۰ وزارت امور خارجه آلمان یادداشتی را به سفارت ایران تحویل می‌دهد که می‌توان از آن به عنوان شروع رسمی تعقیب و محاکمه مسوولان پیکار یاد کرد.<sup>(۲۴)</sup>

احمد متین‌دفتری پس از این نامه به رایزنی‌های فشرده خود ادامه می‌دهد تا محاکمه به صورت کاملاً سری برگزار شود چرا که به گفته او: «... بیم آن می‌رود که این اشخاص از محاکمه جزئی

استقبال کرده (چنانکه در یکی از شمارات پیکار هم صریحا تهدید کرده اند) چه خود متهم و چه شهودی که او از بین رفتار و هم‌مسلك‌های خود اقامه می‌کند نطق‌های آتشی بر علیه مقامات عالی‌ه ایران ایراد کرد و نطق‌ها در جراید آلمان و سایر ممالک اروپا منتشر شده و نقض غرض شود. . . .» (۲۵)

در ادامه همین سند است که متین دفتری از مقامات وزارت امور خارجه و همچنین دادگستری آلمان می‌خواهد تا محاکمه به صورت سری برگزار شود و در عین حال « . . . قضیه را با چنان خشونت تعقیب کنند که برای آتیه موثر واقع شود والا اگر در طی محاکمه ارجاء عنان بشود و حضرات حس کنند که از محاکمه استفاده می‌کنند، بیشتر پیرامون این عملیات خواهند گشت و فرضا موسس فعلی پیکار حبس شود یک نفر دیگر از هم‌مسلكانش جای او را خواهد گرفت و ورقه دیگری انتشار خواهد داد. . . .» پیش‌بینی متین دفتری چندان هم بی‌جا نبود، چه اینکه بعد از پیکار شمار دیگری نشریه با گرایش‌های مختلف در سراسر اروپا علیه حکومت پهلوی در ایران و ظلم و ستم آنها منتشر شد.

در خردادماه ۱۳۱۰ پانزده نفر از افراد پلیس مخفی آلمان به خانه دکتر ونر ریختند و تنها موفق شدند باقیمانده شماره ششم پیکار را جمع‌آوری کند. (۲۶) در همین بازرسی است که ونر دستگیر می‌شود و پلیس او را با خود می‌برد. در تحقیقاتی که می‌شود با مشخص شدن مدیر چاپخانه شیراز و هزینه چاپ پیکار نیز روشن می‌گردد. در گزارش فرزین به وزارت امور خارجه ایران وجه نقل از بازرسی‌های پلیس آلمان آمده است. . . . مدیر مطبوعه در استنطاق گفته است که دکتر ونر مدیر ورقه قرار دادی با او بسته است که در ماه دو نوبت و هر نوبت دو هزار نسخه از ورقه فارسی برای او چاپ کند و برای هر شماره سیصد مارک که در ماه ششصد مارک می‌شود اجرت دریافت کند. . . .» مدیر چاپخانه در مورد توزیع پیکار هم توضیحاتی مفیدی داده است: «هر نوبت دو هزار ورقه چاپ می‌کنیم. صد و پنجاه‌الی دویست ورقه آن را در اینجا نگاه می‌دارند و بقیه را می‌بندند و با وسایلی که من نمی‌توانم اطلاع داشته باشم به طرف ایران می‌فرستند. . . .» (۲۷) این اقدام پلیس آلمان انعکاس ویژه‌ای در روزنامه‌های آلمانی داشت و آنها به صورت گسترده آن را پوشش دادند. بر اساس اسناد موجود پیکار تا اواخر مردادماه ۱۳۱۰ نیز به طرق مختلف وارد ایران می‌شده است، از طریق بندر بوشهر تا کرمان هم می‌رسید. در آذربایجان هم تلاش می‌شود تا از ورود و توزیع آن جلوگیری شود که به نظر نتیجه‌ای دربر ندارد. برای ممانعت از چاپ پیکار حتی سفارت ایران در مسکو نیز دست به اقداماتی زد که مقامات شوروی هرگونه ارتباط خود را با این نشریه به شدت رد می‌کنند. فتح‌الله پاکروان سفیر ایران در مسکو با کاردان معاون وزیر امور خارجه شوروی دیدار می‌کند و خواستار رسیدگی به موضوع ارتباط کمونیست‌های ایرانی مقیم مسکو

با ناشران پیکار می‌شود.<sup>(۲۸)</sup> دولت ایران حتی حاضر شده بود در این رابطه با شوروی وارد معامله شود و در صورتی که آنها مانع از چاپ نشریات ستاره سرخ و پیکار شوند و همچنین از فروش آن در دهه‌های روزنامه‌فروشی ممانعت به عمل آورند، ایران نیز روزنامه داشت‌انک که به زبان ارمنی چاپ می‌شد را تعطیل کند.<sup>(۲۹)</sup>

## سرانجام پیکار

با پیگیری‌هایی که سفارت ایران انجام داد و سماجتی که وزارت امور خارجه به خرج داد مشخص بود که پیکار تعطیل خواهد شد. پیکار پس از ۱۵ شماره از انتشار بازماند در ۱۵ فروردین ۱۳۱۱/۶ آوریل ۱۹۳۲ محکمه نشریه به اتهام «توهین» به رضاشاه تشکیل شد. به سبب بروز اختلاف در تفسیر حقوقی واژه «سلطان» در قانون جزای ایران و مطابقت آن با قانون جزای آلمان، رأی دایر بر تبرئه متهمان (چهار آلمانی از جمله کارل ونر و مرتضی علوی) صادر شد. در این ضمن، جمعیت جمهوری طلبان ایران، در آلمان ادعای نام‌های بر ضد رضاشاه منتشر کرد. پیروزی پیکار و شکست شاه در اغلب مطبوعات آلمان و حتی مطبوعات آمریکا و انگلیس هم بازتاب یافت. پس از صدور حکم محکمه ابتدایی برلین، دولت ایران درخواست استیناف کرد که بی‌نتیجه بود.<sup>(۳۰)</sup> پس از توقیف پیکار و همزمان با محاکمه گردانندگان نشریه دیگری در برلین چاپ شد با نام «نهضت» که به گفته سفارت ایران در آلمان ادامه پیکار بود و این نشریه هم سرنوشتی مانند پیکار پیدا کرد.<sup>(۳۱)</sup> دوره جدید نشریه پیکار از شهریور ۱۳۳۱ در وین به صورت دستنویس منتشر شد و تنها نسخه موجود از این دوره شماره نخست آن است و از شماره‌های دیگر آن اطلاعی در دست نیست. مدیر مسوول دوره جدید محمود پایدار بود. در صفحه نخست آن شعار «محو رژیم جلاد پهلوی» نمایان است. در این شماره گزارش مشروح محاکمه پیکار در محکمه برلین و انعکاس اخبار محاکمه در بیش از ۲۰۰ روزنامه و مجله آلمانی و جرید انگلیس و آمریکا آمده است.<sup>(۳۲)</sup> بی‌نوشت:

- ۱- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، البرز، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۴۶
- ۲- نامه‌های قزوینی، تقی‌زاده، کوشش افشار، تهران ۲۵۳۶، ص ۳-۲۹۲
- ۳- «رپرت تحقیقات پلیس» مرکز اسناد وزارت امور خارجه، کارتن‌های ۱۳۰۹-۱۳۱۱ پرونده شماره ۵۸، سند مورخ ۱۳۱۰/۱/۲۴
- ۴- پیکار سال (شماره ۱)
- ۵- اسنادی از احزاب و مطبوعات دوره رضاشاه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و

